

گزارش همایش ملی صد و هفتادمین سال تأسیس مدرسه دارالفنون و قتل امیرکبیر

پیام شمس‌الدینی

روز ۱۵ آذر ۱۳۹۵ به همت پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی و با مشارکت پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران و سرای ایران‌شناسی، «همایش ملی ۱۷۰امین سال تأسیس مدرسه دارالفنون و قتل امیرکبیر» در ساختمان آرشیو ملی برگزار شد. این همایش در دو نشست تخصصی از ساعات ۸/۳۰ تا ۱۲/۳۰ در تالار دکتر پرهام و با حضور هشت سخنران برگزار شد.

در ابتدا غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی به نکاتی درباره اهمیت تأسیس مدرسه دارالفنون و ورود آموزش نوین به سبک اروپایی در ایران و آگاهی از روش‌های جدید نظامی و ابزارهای آموزشی اشاره کرد. سپس دکتر محسن جعفری‌مذهب، دبیر علمی همایش ضمن خوشامدگویی، گزارشی از روند اجرایی و برگزاری همایش را ارائه کرد.

در نشست اول، چهار سخنران موضوعات متنوعی از تاریخ آموزشی دارالفنون را مطرح کردند. دکتر مجید تفرشی، پژوهشگر تاریخ معاصر و کارشناس اسناد آرشیوهای انگلستان با موضوع «اسناد دارالفنون در آرشیو بریتانیا» به دسته‌بندی اسناد مربوط به امیرکبیر در آرشیوهای متعدد بریتانیا پرداخت. او در بخشی از سخنان خود گفت: «اسنادی مرتبط با امیرکبیر در پنج دوره در آرشیو بریتانیا موجود است هرچند کتابخانه‌های کمبریج و آکسفورد هم مدارکی در این باره دارند». در آرشیو بریتانیا سندهای مختلف نظیر اسناد وزارت خارجه، امور نظامی و امنیتی، پارلمانی و جنگ در آن‌ها نگهداری می‌شود. یکی از ادوار تاریخی که



اسنادی از امیر کبیر یافت می‌شود، دوران حضور او در هیئت رفع اختلاف مرزی ایران و عثمانی در ارزنه‌الروم است.

«چاپخانه دارالفنون» موضوع سخنان اسماعیل دمیرچی، کارشناس چاپخانه سنگی در ایران و سخنران دوم همایش بود. او به این نکته نیز اشاره کرد که در تاریخ پنجاه‌ساله چاپخانه دارالفنون به‌جز چند کتاب نخست، سایر کتاب‌های آموزشی دارالفنون در چاپخانه این مرکز و به همت رضاقلی‌خان هدایت به چاپ رسیده است.

مهندس محمدرضا سحاب، رئیس مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب و فرزند مرحوم عباس سحاب، سخنرانی خود را به «آموزش کارتوگرافی در دارالفنون» اختصاص داد. از نظر او آموزش کارتوگرافی، نقشه‌نگاری و جغرافیای جدید در دارالفنون به خواب غفلت سیصدساله ایرانیان در این زمینه علمی پایان داد. سحاب در پایان سخنان خود گفت: «آموزش کارتوگرافی در دارالفنون منجر به تأسیس چند نهاد دیگر از جمله سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح شد و در حقیقت اگر دارالفنون نبود ما نیز مانند بیشتر کشورهای همسایه خود همچنان به نقشه‌ها و نقشه‌نگاری غربیان وابسته بودیم؛ چنان‌که هنوز نیز در بسیاری از کشورهای همسایه ما مؤسسه جغرافیایی مستقل یا ملی وجود ندارد».

نسرین ترابی، دانش‌آموخته عکاسی از دانشگاه تهران و پژوهشگر تاریخ عکاسی در سخنرانی خود با موضوع «معلمان عکاسی در دارالفنون» به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم اینکه اسنادی در باب آموزش رسمی و مدون عکاسی در دارالفنون در دست نیست، ولی بسیاری از استادان دیگر رشته‌های دارالفنون با انتقال تجربیات عکاسانه خود به ترویج این فن یاری رسانده‌اند. او در ادامه از روند پدیدآمدن عکاسی صنعتی در جهان و ایران و شناسایی نخستین عکس تاریخی در ایران سخن گفت. نخستین عکس تاریخ‌دار ایران (و نه لزوماً نخستین عکس ایران) عکسی است متعلق به دوران ولایتعهدی ناصرالدین میرزا (ناصرالدین شاه بعدی) در تبریز به تاریخ ۱۸۴۲ که عمری نزدیک به ۱۷۰ سال دارد و از روی تاریخ‌گذاری این عکس روزی به نام «روز عکس تاریخی ایران» در ۲۵ آذر هر سال نام‌گذاری شده است. در این گفت‌وگو از ملک‌قاسم میرزا، عموی ناصرالدین شاه نیز به‌عنوان قدیمی‌ترین پزشک دانش‌آموخته فرنگ و نیز قدیمی‌ترین عکاس ایران یاد شد.

پایان‌بخش نشست اول پرسش و پاسخ حاضران در جلسه از سخنرانان بود. در این بخش آقای باصری، معاون گنجینه و مرکز اسناد دارالفنون و فتح‌الله توحیدلو، دانش‌آموخته سال ۱۳۵۲ دارالفنون و مجری طرح تاریخ‌شفاهی دارالفنون نیز توضیحاتی را پیرامون وبگاه دارالفنون عکس‌های تاریخی دارالفنون و مدیریت کنونی دارالفنون تحت نظارت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش بیان کردند.



نشست دوم با سخنرانی خانم حوریه سعیدی با موضوع «دارالفنون و آموزش نظامی» آغاز شد. در این سخنرانی علاوه بر بررسی نقش دارالفنون در آموزش نظامی، مروری اجمالی بر تألیف و تدوین کتاب‌های آموزش فنون نظامی نیز صورت گرفت. نتیجه این مبحث که با آمار و ارقام چشم‌گیری همراه بود، این بود که آموزش فنون نظامی در ایران همواره ترجمه‌محور، فرهنگی‌مآب و بدون خلاقیت و انعطاف لازم برای نیروهای بومی ایران بوده است.

دومین سخنران نشست دوم، علیرضا دولتشاهی، لهستان‌شناس و رئیس پیشین انجمن دوستی ایران و لهستان بود. او در سخنرانی‌اش با عنوان «معلم‌ان لهستانی دارالفنون» به شرح حال و نقش سه تن از لهستانی‌ان که در دارالفنون به آموزش ایرانیان مشغول بودند، پرداخت. استانیسلاس باورفسکی، دکتر ویتولد راتوله، چشم‌پزشک و دکتر میلچارسکی سه تن از این گروه لهستانی‌ان بودند. از استانیسلاس باورفسکیامروزه تنها سنگ‌قبری در گورستان دولاب تهران باقی مانده است که آن هم با شک و تردیدهایی به او منتسب است. راتوله که در منابع تاریخی عصر قاجار به «کحل فرنگی» مشهور بود، استاد میرزاحمودخان شیمی، یکی از نخستین چشم‌پزشک‌های نوین ایران نیز بود. میلچاردسکی نیز در تاریخ معاصر به این شهرت یافته که روزگاری دندان‌پزشک رضاشاه بوده است.

«چالش‌های آموزش فیزیک نوین در دارالفنون»، موضوع سخنرانی دکتر نیک‌سرشت، استاد پژوهشگاه تاریخ علم دانشگاه تهران بود. جالب‌توجه‌ترین بخش سخنرانی او در این نکته بود که از هم‌جواری دو مدرسه در تهران و دو گرایش علمی جداگانه آن‌ها سخن گفت: مدرسه مروی که در چند قدمی دارالفنون و پایگاهی برای «حکمای اربعه» بود، هیچگاه اعتنایی یا حتی انتقادی به تدریس طبیعیات نوین در دارالفنون نداشت؛ حال آنکه در زمینه‌های دیگر علمی مانند طب یا تشریح چنین نبوده است.

جمشید کیانفر، مصحح متون تاریخی دوران قاجار آخرین سخنران نشست بود. او درباره «کتاب‌های درسی دارالفنون» و از جمله نخستین کتاب‌های آموزش فیزیک نوین سخن گفت. او در بخش دیگری از سخنانش به این مطلب اشاره کرد که ناصرالدین‌شاه علی‌رغم اینکه دستور قتل امیرکبیر را صادر کرده بود، اما هیچ‌گاه به اصطلاح رشته‌های او را پنبه نکرد و معاش و هزینه‌های معلم‌ان دارالفنون را به نحوی تأمین اعتبار می‌کرد. این به معنی تداوم اندیشه امیرکبیر در سیاست تربیت دانشجویان ایرانی به دست معلم‌ان فرنگی به جای اعزام دانشجو به فرنگ بود. نشست دوم این همایش نیز با پرسش‌های حاضران از سخنرانان و پاسخ‌هایی از ایشان به اتمام رسید. به همین مناسبت نمایشگاهی از اسناد مدرسه دارالفنون در محل آرشیو ملی ایران برپا شده بود. هم‌چنین علاقه‌مندان حاضر در همایش بعدازظهر آن روز را به بازدید از دارالفنون اختصاص دادند.



